

ساحت بشر

نگاهی به جایگاه انسان در اسلام و غرب

محمد رضا اسلامی



نشر پیک ریعان

سرشناسه : اسلامی، محمدرضا، ۱۳۳۶ -

عنوان و نام پدیدآور : ساحت بشر: نگاهی به جایگاه انسان در اسلام و غرب / محمدرضا اسلامی.

مشخصات نشر : گرگان: پیک ریحان ، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری : ۳۲۰ ص.

فروست : ... مجموعه فعالیت‌های پژوهشی مؤسسه آموزش عالی غیردولتی میرداماد گرگان.

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۸۷-۷۲-۳

وضعیت فهرست نویسی : فیا

عنوان دیگر : نگاهی به جایگاه انسان در اسلام و غرب.

موضوع : انسان (اسلام)

موضوع : Theological anthropology -- Islam

موضوع : انسان (دین)

موضوع : Theological anthropology

رده بندی کتاب : BP ۲/۲۲۶/الف ۴۵ س ۲ ۱۳۹۵

رده بندی یه : ۴۶۶/۲۹۷

شماره کتابشناسی ملی : ۴۵۳۶

ساحت بشر

نگاهی به جایگاه انسان در اسلام و غرب

محمدرضا اسلامی

از مجموعه فعالیت‌های پژوهشی مؤسسه آموزش عالی غیردولتی میرداماد گرگان

نشر پیک ریحان گرگان / چاپ اول / ۱۳۹۵

قطع وزیری / ۳۲۰ صفحه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۸۷-۷۲-۳

قیمت: ۱۳۵۰۰ تومان

۹	مقدمه.....
۱۳	بخش اول: کلیات.....
۱۴	مفهوم شناسی انسان از نظر لغت.....
۱۹	بررسی مفهوم انسان در اصطلاح.....
۲۴	بررسی مفهوم اسلام در اصطلاح.....
۲۵	تعاریف و معانی اسلام.....
۲۶	اسلام در قرآن و حدیث.....
۲۹	تفاوت و رابطه اسلام و ایمان.....
۳۲	مفهوم اساس معنوی و اصطلاحی غرب.....
۳۶	تعریف غرب از منظرتاریخی.....
۳۷	بخش دوم: جایگاه انسان دیدگاه اسلام.....
۳۸	فصل اول: خلقت انسان.....
۳۸	کیفیت خلقت انسان و مراحل آن در اسلام.....
۴۴	مراحل خلقت انسان در اسلام.....
۴۶	مبدأ آفرینش آدم و حوا.....
۵۳	مراحل رشد جنین انسان در قرآن.....
۶۵	مراحل مختلف خلقت انسان و سیر نمو آن در علوم جدید.....
۶۸	فصل دوم: اصالت انسان.....
۶۸	اصالت انسان روح است یا جسم؟.....
۷۰	کیفیت پیدایش و آفرینش روح و زمان آن.....
۷۰	نظریات مختلف در مورد آفرینش روح انسان.....
۷۲	اصالت روح از نگاه عقل و نقل.....
۷۹	رابطه روح با بدن.....
۸۴	واقعیت وجودی انسان از دیدگاه عرفا.....
۸۶	تقسیمات نفس در قرآن کریم.....
۸۸	فصل سوم: انسان و خلافت الهی.....
۸۸	انسان و خلافت الهی.....
۸۹	مقام اجتماع حقایق الهی.....
۹۲	انسان «کون جامع» است.....
۹۷	راه رسیدن به مقام خلافت الهی.....

- ۹۸..... سیر عملی اسفار اربعه تا خلافت الهی
- ۹۹..... نقش تعلیم اسماء در جانشینی خدا
- ۱۰۱..... انسان کامل
- ۱۰۵..... انسان امروز و راه رسیدن به کرامت
- ۱۱۱..... فصل چهارم: فلسفه خلقت انسان
- ۱۱۱..... فلسفه خلقت یا معمای آفرینش انسان
- ۱۱۸..... هدف زندگی از دیدگاه اسلام
- ۱۲۱..... معنای زندگی انسان
- ۱۲۵..... راحل زندگی انسان
- ۱۲۹..... حیات طابه
- ۱۳۰..... ویژگی‌های حیات پیه
- ۱۳۳..... آیا زندگی محدود به است و یا تداوم دارد؟
- ۱۳۳..... مفهوم دنیا
- ۱۳۴..... شناخت دنیا
- ۱۳۷..... فصل پنجم: منزلت عقل، علم و دین و مسئولیت پذیری انسان
- ۱۳۷..... جایگاه عقل، علم و دین در زندگی انسان
- ۱۳۹..... جایگاه عقل در ذات انسان
- ۱۴۱..... رابطه میان عقل و علم
- ۱۴۲..... رابطه میان عقل و دین
- ۱۴۳..... انسان اسلام مسئولیت پذیر است یا آزاد و رها؟
- ۱۵۲..... حق، تکلیف و رابطه میان آن دو
- ۱۵۳..... منشاء تکلیف
- ۱۵۴..... بخش سوم: انسان از دیدگاه غرب
- ۱۵۵..... فصل اول: خلقت انسان در متون دینی غرب
- ۱۵۵..... ماهیت انسان از دیدگاه فلاسفه غرب
- ۱۵۶..... کاتولیک مذهب غالب
- ۱۵۸..... منابع مسیحیت
- ۱۶۰..... منازعه دین و دنیا گرایی در غرب
- ۱۶۲..... یهود در جهان غرب
- ۱۶۴..... نفوذ تفکر یهودیت در مسیحیت
- ۱۶۸..... خلقت انسان در منابع غرب

۱۷۲	عقاید و مشکلات کلامی مسیحیت.....
۱۷۴	حقیقت انسان به لحاظ روح و جسم از دیدگاه فلاسفه غرب.....
۱۸۶	فصل دوم: تکامل انسان و علوم تجربی.....
۱۸۶	آفرینش و تکامل انسان از دیدگاه علوم تجربی.....
۱۸۹	نظریات تکامل و الهیات مسیحیان.....
۱۹۴	فصل سوم: جایگاه انسان در مکاتب غربی.....
۱۹۴	انسان از دیدگاه اومانیسم.....
۱۹۸	اومانیسم، رنسانس.....
۱۹۹	اومانیسم و رنسانس.....
۲۰۴	دیدگاه های اومانیستی.....
۲۰۸	انسان از دیدگاه اگزیستانسیالیسم.....
۲۱۸	حیات ایده آل از دیدگاه اگزیستانسیالیست ها.....
۲۲۱	اگزیستانسیالیسم و اعتقاد در خدا.....
۲۲۳	انسان از دیدگاه لیبرالیسم.....
۲۲۴	ریشه های شکل گیری لیبرالیسم.....
۲۲۷	مذهب و لیبرالیسم.....
۲۲۹	مهمترین اجزای اصول وقواعد لیبرالیسم.....
۲۳۲	فصل چهارم: منزلت عقل و علم و دین در غرب.....
۲۳۲	جایگاه و اهمیت عقل در میان غربیان.....
۲۳۴	عقل در حد ابزار و مستقل از وحی.....
۲۳۸	سنتیسم (Scientism) یا علم پرستی.....
۲۴۲	رابطه علم و دین از نظر فیزیکدانان غربی.....
۲۴۵	دین در حد یک احساس.....
۲۴۷	فصل پنجم: آزادی و رابطه انسان با خدا و معاد.....
۲۴۷	انسان غربی مسئولیت پذیر است یا آزاد؟.....
۲۴۸	آزادی و گستره آن در غرب.....
۲۴۹	انسان و مسئولیت.....
۲۵۰	آزادی از دیدگاه لیبرالیسم.....
۲۵۰	تعریف آزادی.....
۲۵۱	آزادی و عدالت.....
۲۵۲	ویژگیهای آزادی در غرب.....

۲۵۳.....	مفهوم آزادی و قلمرو آن.....
۲۵۶.....	آزادی از نظر رواقیون و دیگران.....
۲۵۸.....	انسان غربی و تکالیف الهی.....
۲۵۸.....	منشاء حقوق.....
۲۶۰.....	نسبت میان حق و تکلیف.....
۲۶۰.....	تفاوت های حق و تکلیف.....
۲۶۱.....	رابطه انسان غربی با خدا.....
۲۶۳.....	دیدگاه منکران.....
۲۶۴.....	دیدگاه معتقدان.....
۲۶۷.....	رابطه انسان غربی با معاد.....
۲۶۸.....	معانی زندگی پس از مرگ در غرب.....
۲۷۲.....	فصل ششم: بحران و سرایت استفاده ابزاری از دین.....
۲۷۲.....	بحران معنویت و ارزش های دینی در غرب.....
۲۷۵.....	معنای معنویت در شرق و غرب ادیان.....
۲۷۸.....	علل بحران معنویت در غرب.....
۲۷۹.....	کلیسا و استفاده ابزاری از دین در برابر اسلام.....
۲۸۱.....	استفاده ابزاری از دین و فضایل اخلاقی.....
۲۸۱.....	کلیسا و جاسوسی برای ارتش های استعماری غرب.....
۲۸۴.....	دانشمندان را بنام عالیجناب پاپ بسوزانید.....
۲۸۸.....	بخش چهارم: بررسی تطبیقی جایگاه انسان در اسلام و غرب.....
۲۸۹.....	الف: خلقت انسان به ویژه آدم و حوا.....
۲۹۳.....	ب: اصالت روح یا جسم.....
۲۹۵.....	ج- انسان کامل و خلافت الهی.....
۲۹۹.....	د: هدف و معنای زندگی انسان.....
۳۰۱.....	ه: انسان و مسئولیت و تکلیف.....
۳۰۲.....	تفاوت آزادی در اسلام و غرب.....
۳۰۴.....	و: انسان و عقل و علم.....
۳۰۷.....	ز: انسان و دین.....
۳۱۳.....	منابع و مأخذ.....

ضرورت شناخت انسان

توافق بر سر یک تعریف دقیق و منطقی از انسان تقریباً محال است زیرا بر حسب بیش‌های گوناگون علمی، مکاتب فلسفی و عقاید مذهبی گوناگون متفاوت است. علم نیز هنوز پرده از روی این جهان صغیر بر نگرفته و انسان همان اندازه که متوجه جهان خارج از خود شده است به همان اندازه از شناخت حقیقت خود دور شده است و خود را فراموش کرده است.

این جهالت همان کمبود فاجعه آمیزی است که انسان امروز علی‌رغم موفقیت‌های خیره‌کننده‌اش در جهان علم از فهم درست معنی زندگی و مفهوم وجودی خویش محروم است. حتی از انسان قدیم هم نسبت به خویش ضعیف‌تر و نا آگاه‌تر است بنابراین شناخت انسان در این عصر یک فوریت و ضرورت بلکه امری حیاتی است. زیرا انسان امروز از یک مورد منظمه هستی جایگاه و نقش تعیین‌کننده‌ای در روند تکاملی خود و دیگران و تاریخ دارد «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد ۱۱) و از سوی دیگر می‌تواند انسان باشد به‌عالی علین صعود کند «إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّينَ» مطفئین و یا حیوان باشد به‌اسفل السافلین سقوط کند، ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ «نیزه، و یا شیطان باشد «قَالَ أَعْدَاءُ عَدُوِّ نَشِ بَازِی كُند «إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ» بوسفه

بنابراین انسان معاصر، در تفکر و رفتار و در تئوریه‌ها و ایده‌ها، سحت گرفتار تناقض است. گاه تجربه‌گرا می‌شود و زمانی خردورزی را ارج می‌نهد، گاه پرستنده مدرنیته و زمانی ستایشگر پست مدرنیسم، گاهی منکر اصالت اخلاق است و روزگاری در پی تحکیم باورهای اخلاقی و بازگرداندن امنیت و شرافت به جامعه انسانی! هم چنین انسان را پدیده‌ای لغو و بی‌ریشه می‌داند، ولی

هوس‌های انسانی را که ناپایدارترین گرایش‌ها در زندگی انسان هستند، پایه پولادین سیاست و اقتصاد و فرهنگ و هنر و قانون می‌دانند!

این است که در میدان سیاست به عالی‌ترین چیزی که دست می‌یابد، دموکراسی است! و در فضای مدنیت به زیباترین اصلی که نایل می‌شود، پلورالیسم اعتقادی است! چرا که فراتر از انسان هیچ نیست، انسان است که قانون می‌سازد و انسان است که به باورها جان می‌دهد. بدون انسان و قبل از انسان و فراتر از انسان، هیچ قانون و باید و نبایدی نیست، بلکه هیچ هستی نیست!

و اکنون این باور - رمی و انعطاف ناپذیر را بگذاریم در کنار اعتقاد به نسبیّت! نسبیّت همه چیز، نسبیّت نظم، نسبیّت حقیقت، نسبیّت شریعت، نسبیّت اخلاق و...

براستی انسان جز در میدان انسان‌شناسی و معنی‌یابی هستی، در کدام عرصه دیگر از زندگی خود تا این اندازه بار تنافس را پذیرفته است و آسمان خراشی از منیت و انسان‌مداری را بر پوسته‌های نازک بابا‌هری و پوچ‌پنداری هستی بنیان نهاده است.

اکنون باید دید، براستی انسان، کدام است؟ برترین است یا حقیرترین، نیرومندترین است یا ضعیف‌ترین، خردمندترین است یا سفله‌ترین، عدالت‌خواه و ایثارگر و آزاده است یا جهل‌پیشه و هوسران و بردبار و زور؟

انسان موجودی است خردورز، اما هرگز از خرد مطلق برخوردار نیست. انسان موجودی است دانش‌پژوه، ولی هرگز به راز همه هستی احاطه پیدا نخواهد کرد.

پس جای خرد مطلق و علم مطلق و خدای هستی را هرگز پر نخواهد کرد. و با این حال فاقد ارزش وجودی هم نیست، چرا که اگر چنان بود، حکمت خرد مطلق هستی به او اجازه عرض اندام نمی‌داد. «وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» ما انسان را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم.

انسان، نه برترین موجود هستی است و نه حقیرترین و بیهوده ترین. موجودی است فراتر از متوسط، و برتر از بسیاری موجودات زمین. به شرط آن که حد خویش را بشناسد و شرط فضیلت را به جای آورد. نه خود را خدای پندارد و نه خویشتن را حقیر و بیهوده و بی تدبیر شمارد. نه خود را آزاد مطلق بشاند و نه با زنجیر جبر و تقلید کورکورانه، هویت خویش را انکار کند. نه وحی را تجربه شخصی انسانی، زمانی و مکانی بداند و نه بر ظاهر الفاظ وحی، جمودی انعطاف ناپذیر به خرج دهد. نه حکومت و قانون را یکسره اموری عرفی و اعتباری و انسانی بخواند و نه حرمان خراج، صلاهی «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ»^۱ سر دهد. درخاتمه دراین تحقیق برآنیم تا این راه‌ها پاسخ داده وحدّ و هویت انسان را ازدویدگاه اسلام و غرب بررسی کنیم.